

## درس تاریخ

دکتر علی رشیدی

بردند و ایران از خطر تجزیه رهایی یافت. از سوی دیگر، هفتاد و دو سال پیش، فرانکلین روزولت رییس‌جمهوری آمریکا در پایان کنفرانس سران در تهران (۳۰-۲۸ نوامبر ۱۹۴۳) از معاون خود ژنرال هرلی وزیر دفاع پیشین خواسته بود که طرحی برای ساختن کشوری نمونه و مشابه ایالات متحده از ایران که ۹۹ درصد مردمان آن اسیر یک درصد زمینداران بزرگ و اشراف و طبقه حاکمه بودند تهیه کند. ژنرال هرلی پس از سفر به شهرهای ایران در ۲۱ دسامبر ۱۹۴۳ طرح خود را در پنج بخش تقدیم روزولت کرد که نکته‌های اصلی آن، ضرورت رها شدن ایران از چنگ امپریالیزم انگلیس، بهره‌گیری از درآمد نفت برای نوسازی و بهسازی ایران و تدوین یک قانون اساسی با الگوبرداری از قانون اساسی آمریکا بود.

روزولت در ۱۹۴۵ درگذشت و رییس‌جمهوری بعدی طرح هرلی را به فراموشی سپرد و به‌سوی همگامی با انگلیس در راه‌اندازی کودتای امرداد ۱۳۳۲ و ناکام ساختن جنبش ملی شدن صنعت نفت که هدفش کوتاه کردن دست بیگانگان از بزرگترین سرمایه مادی ایران یعنی نفت و به کارگیری درآمدهای نفتی برای توسعه ایران بود پیش رفت.

هفتاد و شش سال پس از آن (بهمن ۱۳۹۵) در کنفرانس امنیت اروپا، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، عربستان و ترکیه در برابر ایران جبهه‌گیری کردند و روز

هفتاد و پنج سال پیش در ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ برابر با ۲۴ تیر ۱۳۲۴، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (در مسکو) دستورالعملی مطلقاً سری خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان (در باکو) برای درست کردن فرقه دموکرات آذربایجان و برپا کردن جنبشهای تجزیه‌طلبانه در شمال ایران از آذربایجان تا خراسان (شامل گیلان، مازندران، گرگان، خراسان) و نیز کردستان صادر کرد و در کمتر از پنج ماه، پیشه‌وری تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را اعلام کرد و جزئیات دیگر دستورالعمل از جمله راه‌اندازی انجمنهای دوستی مردمان آذربایجان، آذربایجان شوروی، کمیته‌های سازمان‌دهنده برای حزبهای فرمایشی دموکرات در استانهای شمالی ایران، انتشار انواع روزنامه‌ها و مجلات تبلیغاتی در مراکز استانها، بهره‌گیری از افسران ارتش سرخ، کارمندان سفارت و کنسولگریهای شوروی در ایران بعنوان اعضای انجمنهای دوستی و دهها برنامه کار دیگر، مو به مو به اجرا گذاشته شد. یک سال و نیم پس از آن، طرحهای شوروی برای استانهای شمالی ایران با اولتیماتوم ترومن رییس‌جمهوری آمریکا به استالین مبنی بر فراخوانی فوری ارتش سرخ از ایران و تدابیر زیرکانه دولتمردان ایرانی ناکام ماند و ارتش ایران در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ وارد تبریز شد و گردانندگان فرقه دموکرات به دامان ارباب خود در آن سوی ارس پناه

● در اسنادی سری و فوق سری که تازه انتشار یافته، دو دیدگاه یکسره متضاد روسیه و ایالات متحده آمریکا نسبت به آینده ایران در بیش از هفتاد سال پیش نمایان است، ولی تجربه هفتاد ساله ثابت کرده است که نه برنامه‌های خرس بزرگ و نه دوستی خاله خرسه در راستای آزادی، استقلال و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملت ما بوده است.

ترجمه به فارسی: رعد

#### فشرده:

سند شوروی با دستورالعملها درباره تأسیس حزب دموکرات آذربایجان در شمال ایران بعنوان اقدامی برای ایجاد مبنایی برای راهاندازی یک جنبش جدایی‌خواه.

#### مطلقاً سری

(۱) اقدامات برای انجام دادن مأموریت‌های ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی [!] و استانهای شمالی ایران

۱- مسئله ایجاد حزب دموکراتیک آذربایجان فوراً ترتیب انتقال پیشه‌وری و کامبخش را به باکو برای مذاکره بدهید.

بسته به نتایج گفتگوها، انتقال رییس کمیته منطقه‌ای حزب توده آذربایجان، پادکان (در اسناد دیگر پادگان) به باکو را مد نظر داشته باشید.

۲- برای ایجاد کمیته‌های سازمان‌دهنده در مرکز (تبریز) و هر جا، طی یک ماه نامزدهایی از عناصر با نفوذ دموکراتیک از میان روشنفکران، بازرگانان از طبقه متوسط، زمینداران کوچک و متوسط و روحانیون از احزاب دموکراتیک گوناگون و همچنین از افراد غیر حزبی برگزینید و آنان را در کمیته‌های سازمانی حزب دموکراتیک آذربایجان گرد آورید.

اولویت نخست این است که در تبریز یک کمیته سازمان‌دهنده درست شود که از راه مطبوعات دموکراتیک موجود خاور نو، دژدات (Dzhodat)، آژیر و غیره، درخواست تأسیس حزب دموکرات آذربایجان

بعد، یکی از دولتمردان بلندپایه ایرانی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در واکنش به این صف‌آرایی در برابر ایران، اظهار خوشبختی و رضایت کرد که میان ایران و روسیه پیوند استراتژیک وجود دارد. پرسش کلیدی این است که آیا برنامه‌های این دو ابرقدرت در چنگ‌اندازی به منابع ایران و بازیهای خطرناک و زیانبارشان با ایران و ایرانیان تغییری پیدا شده است؟

در اسناد سری و فوق سری زیر که تازه انتشار یافته و از روسی به انگلیسی و سپس به فارسی ترجمه شده است، دو دیدگاه یکسره متضاد روسیه و ایالات متحده آمریکا نسبت به آینده ایران در بیش از هفتاد سال پیش نمایان است، ولی تجربه هفتاد ساله ثابت کرده است که نه برنامه‌های خرس بزرگ و نه دوستی خاله خرسه در راستای آزادی، استقلال و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملت ما بوده است.

\*\*\*

دستورالعمل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی به کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان - باکو برای درست کردن فرقه دموکرات آذربایجان و جنبش تجزیه‌طلبانه در شمال ایران از آذربایجان تا خراسان ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ (۲۴ تیر ۱۳۲۴)

مرکز ویلسن

آرشیو دیجیتالی

تاریخ بین‌الملل از طبقه‌بندی خارج شده

۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵

دستورالعمل سری شوروی «اقدامات برای انجام دادن مأموریت‌های ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی [!] و ایالت‌های شمالی ایران»

تذکر:

دستورالعمل‌های شوروی، «اقدامات برای انجام مأموریت‌های خاص در سراسر آذربایجان جنوبی [!] و استانهای شمالی ایران» ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵، برنامه تاریخ و سیاست عمومی، آرشیو دیجیتالی

Gappod Azr, f 10 p. 89, 90 11-9-15

به‌دست آورده شده توسط جمیل حسن‌لی (Jamil Hassanli) ترجمه شده از روسی به انگلیسی برای CWIHP توسط گاری گلدبرگ (Gory Goldberg)

آذربایجان در تبریز یک آژانس مطبوعاتی به نام «صدای آذربایجان» درست کنید.

۶- ترتیب تدوین برنامه‌ها و تهیه اساسنامه کمیته سازمان‌دهنده در تبریز را بدهید.

## (۲) اطمینان‌یابی از انتخاب شدن نمایندگان در پانزدهمین دوره مجلس

۱- گفتگو با آن دسته از نمایندگان در مجلس را که از آنان در جریان انتخابات این دوره مجلس پشتیبانی می‌شود آغاز کنید. به آنان بگویید ایشان را برای مجلس پانزدهم به این شرط نامزد می‌کنید که برای اجرای شعارهای حزب دموکرات آذربایجان بجنگند.

۲- کار نامزد کردن افراد برای نمایندگی در مجلس از میان عناصری را که در راه اجرای شعارهای حزب دموکرات آذربایجان خواهند جنگید آغاز کنید.

۳- فهرست نمایندگانی را که سفارت سفارش کرده است، با توجه به «این» وظایف تازه بررسی کنید.

۴- ترتیب معرفی و مشهور کردن نامزدهای نمایندگی در مجلس در مطبوعات و تماسها و نشستهای آنان با رأی‌دهندگان را بدهید.

۵- از جلسات، تظاهرات، اعتصابات و نیز انحلال کمیسیونهای انتخاباتی که با هدفهای ما سازگاری ندارند، با هدف تأمین منافع ما در انتخابات، پشتیبانی کنید.

۶- در جریان آماده شدن برای انتخابات، در حوزه‌های انتخاباتی شمال ایران، نامزدهای معرفی شده از سوی محافل ارتجاعی را که فعالانه بر ضد نامزدهای جنبش دموکراتیک کار می‌کنند، دفع و اخراج کنید.

۷- جایگزین کردن رهبران ارتجاعی سازمانهای محلی را بخواهید.

## (۳) تشکیل «انجمن دوستداران آذربایجان شوروی»

۱- در زمینه سازمان دادن «انجمن دوستداران آذربایجان شوروی» از وجود هیأت‌های نمایندگی‌یی استفاده کنید که در جشن یادبود بیست‌وپنجمین سالگرد تشکیل جمهوری آذربایجان شوروی شرکت می‌کنند.

● هفتاد و پنج سال پیش در ۲۴ تیر ۱۳۲۴، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (در مسکو) دستورالعملی مطلقاً سرّی خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان (در باکو) برای درست کردن فرقه دموکرات آذربایجان و برپا کردن جنبشهای تجزیه‌طلبانه در شمال ایران از آذربایجان تا خراسان (شامل گیلان، مازندران، گرگان، خراسان) و نیز کردستان صادر کرد و در کمتر از پنج ماه، پیشه‌وری تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را اعلام کرد.

را منتشر کند و به چاپ اوراق تبلیغاتی بپردازد.

۳- با رخ نمودن این درخواست، در هرجا، گروه‌های آغازگر در مطبوعات در پشتیبانی از این درخواست سخن بگویند و کمیته‌های حزب دموکرات آذربایجان را با شرکت فعالترین سازمانهای وابسته به حزب توده و دیگر سازمانها و عناصر دموکراتیک برپا کنند.

اجازه تغییر نام مکانیکی سازمانهای حزب توده به کمیته‌های حزب دموکراتیک آذربایجان را ندهید. سفارش می‌شود که کمیته منطقه تبریز و سازمانهای محلی حزب توده، درخواست مربوط به تشکیل حزب دموکرات آذربایجان را به بحث بگذارند و تصمیم بگیرند که سازمانهای حزب توده را منحل و اعضای آنها را وارد حزب دموکرات آذربایجان کنند.

۴- پس از تأسیس کمیته سازمان‌دهنده حزب دموکرات آذربایجان در تبریز، نخستین اولویت این است که کمیته‌های محلی حزب دموکرات آذربایجان در شهرهای زیر برپا شود: اردبیل، رضاییه، خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، مهاباد، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، گرگان و مشهد.

نمایندگان کمیته سازمان‌دهنده مرکزی را برای سازمان دادن کمیته‌های سازمان‌دهنده در این شهرها بفرستید. واکنشهای مثبت و درخواستهای مربوط به پیوستن به حزب دموکرات آذربایجان را بطور سیستماتیک در مطبوعات دموکراتیک چاپ کنید.

۵- در کمیته سازمان‌دهنده حزب دموکرات

استانهای یادشده در بالا، برای سازمان دادن یک جنبش جدایی‌خواهی، برجسته کنید.  
درخواست اصلاحات ارضی را نه تنها در آذربایجان جنوبی[!] بلکه در مناطق استانهای شمالی ایران مطرح کنید.

#### (۵) سازمان دادن انجمنها

۱- پس از تشکیل کمیته‌های سازمان‌دهنده حزب دموکرات آذربایجان، همزمان با جریان کار انتخاب نمایندگان در مجلس پانزدهم، مبارزه‌ای برای تشکیل انجمنها به راه اندازید و از شور انتخاباتی شهروندان برای این هدف بهره‌برداری کنید.

#### (۶) سازمان دادن ارگانهای مطبوعاتی

۱- برای سازمان دادن همه فعالیتهای خرابکارانه از کانال مطبوعات، یک مؤسسه انتشاراتی برای مجله‌های تازه در شهرهای رشت، رضاییه و مهاباد، فزون بر روزنامه‌های موجود، برپا کنید.  
امضاهای ناخوانا ۱۴/۷/۱۹۴۵\*  
(۲۴ تیر ۱۳۲۴)

**ایران را از چنگ امپریالیسم انگلیس رها کنید**  
یادداشت فرانکلین روزولت به ژنرال هرلی

#### برنامه روزولت برای ایران پس از جنگ

پس از کنفرانس سران سه قدرت بزرگ، روزولت، چرچیل و استالین در تهران (۳۰-۲۸ نوامبر ۱۹۴۳)، رئیس‌جمهوری ایالات متحده پیشنهادی برای

● طرحهای شوروی برای استانهای شمالی ایران با اولتیماتوم ترومن رئیس‌جمهوری آمریکا به استالین مبنی بر فراخوانی فوری ارتش سرخ از ایران و تدابیر زیرکانه دولتمردان ایرانی ناکام ماند و ارتش ایران در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ وارد تبریز شد و گردانندگان فرقه دموکرات به دامان ارباب خود در آن سوی ارس پناه بردند و ایران از خطر تجزیه رهایی یافت.

۲- کارگران کنسولگریهای ما، فرماندهان نظامی و اعضای فعال (حزب) آنها را در سازمان انجمن به کار گیرید.

۳- گروه سازماندهنده «انجمن دوستداران آذربایجان شوروی» در تبریز باید به تهیه اساسنامه انجمن بپردازد.

۴- برای جذب گستردهٔ مردمان به «انجمن دوستداران آذربایجان شوروی» از مطبوعات بطور سیستماتیک برای تشریح موفقیت‌های اقتصادی، هنری و فرهنگی آذربایجان شوروی و دوستی تاریخی مردمان آذربایجان جنوبی [!] و مردمان آذربایجان شوروی استفاده کنید.

#### (۴) سازمان جنبش جدایی‌خواهی

راه‌اندازی یک جنبش جدایی‌خواهی را در راستای ایجاد یک منطقه خودمختار آذربایجانی [و] یک منطقه خودمختار کردی با اختیارات گسترده سازمان دهید.  
در گرگان، گیلان، مازندران و خراسان جنبش جدایی‌خواهی را بر پایهٔ مسائل محلی (Korennyye) سازمان دهید، بویژه در گیلان:

سازمان خدمات عمومی و رفاهی در شهرهای رشت [و] پهلوی، با کنار گذاشته شدن دست‌کم ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی استان برای این هدفها.

**در گرگان:** تحصیل به زبان محلی ترکمنی در مدارس؛ جایگزین کردن سازمان محلی، ژاندارمری و پلیس با ترکمنها، با کنار گذاشته شدن دست‌کم ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری شده برای تأمین خدمات عمومی، رفاهی، و درمانی در گنبدکاووس، گرگان و بندر شاه.

#### در مازندران و خراسان:

۱- بازگرداندن شدن زمینهای گرفته شده توسط رضاشاه (املاک) به زمینداران کوچک و متوسط.  
۲- کنار گذاشته شدن دست‌کم ۵۰ درصد مالیاتهای گرفته شده در استان برای خدمات عمومی و رفاهی در شهرهای ساری، شاه(هی)، مشهد و قوچان نو.  
فزون بر این، چنین مسائلی را در سطح محلی در

روزولت با غرور گزارش هرلی را همراه با نامه‌ای که در آن تأکید شده بود محتویات یادداشت، سیاست خود اوست، در وزارت امور خارجه پخش کرد. او از این ایده که ایران بعنوان الگویی در زمینه اجرای سیاست غیر خودخواهانه آمریکا در جهان و رها شدن ۹۹ درصد مردمان از یوغ اسارت یک درصد، معرفی گردد، «هیجان زده شده بود».

رییس‌جمهوری همچنین نسخه‌ای از این گزارش را برای چرچیل فرستاد که نوعی زجر دادن ملیح او بود. چرچیل برآشفته برای پاسخ دادن سه ماه صبر کرد که نشان می‌داد از این اهانت خشمگین است. پشتیبانان امپراتوری انگلیس در ایالات متحده به رهبری دین آچسن (Dean Acheson) به پیشنهاد روزولت در داخل وزارت امورخارجه حمله کردند و به آن برچسب «جهانبینی مسیحایی مالینولیایی» زدند.

هری ترومن معاون رییس‌جمهوری آمریکا (هوادار انگلیس) که در دوم آوریل ۱۹۴۵ پس از مرگ روزولت به ریاست جمهوری رسید، آچسن را به سمت وزیر امورخارجه ارتقاء داد. در ۱۹۵۱ که محمد مصدق نخست‌وزیر ایران شد و شرکت نفت انگلیس را ملی اعلام کرد، آچسن با سفیر انگلیس و گروهی متشکل از مأموران سیا و عوامل اطلاعاتی و امنیتی انگلیس برای تنظیم برنامه‌ای با هدف فرو انداختن مصدق از قدرت و بازگرداندن سلطه انگلیس بر نفت ایران، همکاری و هماهنگی کرد. کودتا در ۱۹۵۳ در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور و زیر نظر رییس سیا، آلن دالس، که ترومن و آچسن او را بعنوان مسئول عملیات پنهانی برگزیده بودند، انجام گرفت.

هرلی در ۱۹۴۵ و بار دیگر در ۱۹۵۱ درباره خیانت آچسن به نقشه روزولت برای همکاری و دوستی با ایران مستقل و حاکم بر امور خود، در سنای آمریکا شهادت داد.

در اینجا گزارش هرلی، نامه روزولت همراه گزارش، و بخشهایی از نامه‌های مبادله شده میان روزولت و چرچیل آورده می‌شود.

● فرانکلین روزولت رییس‌جمهوری آمریکا در پایان کنفرانس سران در تهران (۳۰-۲۸ نوامبر ۱۹۴۳) از معاون خود ژنرال هرلی وزیر دفاع پیشین خواسته بود که طرحی برای ساختن کشوری نمونه و مشابه ایالات متحده از ایران که ۹۹ درصد مردمان آن اسیر یک درصد زمینداران بزرگ و اشراف و طبقه حاکمه بودند تهیه کند. ژنرال هرلی پس از سفر به شهرهای ایران در ۲۱ دسامبر ۱۹۴۳ طرح خود را در پنج بخش تقدیم روزولت کرد که نکته‌های اصلی آن، ضرورت رها شدن ایران از چنگ امپریالیزم انگلیس، بهره‌گیری از درآمد نفت برای نوسازی و بهسازی ایران و تدوین یک قانون اساسی با الگوبرداری از قانون اساسی آمریکا بود.

مدرن‌سازی ایران و نجات آن از چنگال امپریالیزم انگلستان مطرح کرد. تذکاریه روزولت، بر پایه دستور او، توسط نماینده شخصی‌اش ژنرال پاتریک جی. هرلی در دسامبر ۱۹۴۳ ارائه شد و تا کنون در آرشیوها، از زمان خارج شدن آن از طبقه‌بندی محرمانه در دهه ۱۹۷۰، جای داشته است.

ژنرال هرلی ترتیب برگزاری کنفرانس تهران را داده بود تا در آنجا برنامه‌های پیروزی بر نیروهای محور (آلمان، ژاپن، ایتالیا) تدوین و تکمیل شود.

پس از پایان کنفرانس، روزولت از هرلی خواست گزارشی تهیه کند که چگونه ایالات متحده می‌تواند به ایران برای چیره شدن بر عقب‌ماندگی هراس‌انگیزش کمک کند و سپس از ایران بعنوان کشوری نمونه که در پرتو کمکهای آمریکا از چنگال فقر رها شده است، استفاده شود. هرلی سه هفته به سراسر ایران سفر کرد و با مردمان از هر طبقه به گفتگو نشست. هرلی که در انتظار رویارویی جهانی ایالات متحده با امپریالیزم انگلستان در دوران پس از جنگ بود، ستمهای روا داشته شده به ایران از سوی انگلستان را سخت محکوم کرد.

رییس جمهوری عزیز:

به هنگام حرکت خود از تهران، ضمن گفتگوهایمان در فرودگاه، مبنای اولیه سیاست ما در ایران را که ممکن است بعنوان نمونه‌ای از روابط ما با همه ملت‌های کمتر مساعدت شده به کار رود، برای من مشخص کردید. در پاسخ به پیشنهاد شما و دستورالعملی که از وزیر امور خارجه دریافت کردم، می‌خواهم مطالب زیر را برای ملاحظه شما تقدیم دارم.

### بخش نخست

هدف ایالات متحده این است که ایران را بعنوان کشوری آزاد و مستقل سرپا نگهدارد و به ایرانیان این فرصت را بدهد که از حقوق انسانی، چنان که در قانون اساسی ایالات متحده آمده است بهره گیرند و در تحقق یافتن اصول منشور آتلانتیک مشارکت داشته باشند. بنابراین، سیاست ایالات متحده درباره ایران، کمک کردن به ایجاد یک دولت برپایه رضایت حکومت‌شوندگان و یک سیستم اقتصاد آزاد است که به آن ملت اجازه دهد منابع خود را در وهله نخست، به سود مردمانش توسعه دهد. منابع ایران برای اجرای برنامه‌ای که به آن کشور یاری دهد تا به خود کمک کند، کافی است. با این برنامه خودگردانی و خود همیاری به درستی هدایت شده، ایران می‌تواند اصول عدالت، آزادی وجدان، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، رهایی از نیاز، برابری فرصت‌ها و تا اندازه‌ای آزادی از ترس را برای خود محقق سازد.

برای رسیدن به هدف‌های بالا، ایالات متحده بر پایه دعوت دولت ایران، رایزنان کارشناس در همه زمینه‌های

### یادداشت روزولت به کوردل هول (Cordell Hull) وزیر امور خارجه

فرانکلین روزولت: یادداشت زیر را در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۴ برای وزیر امور خارجه فرستاد:

یادداشت برای وزیر امور خارجه

نامه بسیار جالب پات هرلی (Pat Hurley)، پیوست این یادداشت است. متن آن بر سر هم در خط همان مطالبی است که با او در میان گذاشته‌ام.

ایران بی‌گمان کشوری بسیار بسیار عقب مانده است؛ دربرگیرنده قبیله‌هایی چند است و ۹۹ درصد جمعیت در واقع اسیر یک درصد هستند. ۹۹ درصد، مالک زمین خود نیستند و نمی‌توانند فراورده‌های خود را نگهدارند یا آنرا به پول یا اموال دیگر تبدیل کنند.

من از این ایده که ایران را الگویی در این زمینه قرار دهیم که با سیاست غیر خودخواهانه خود چه می‌توانیم بکنیم، هیجان‌زده شده‌ام. هیچ ملتی مصیبت زده‌تر از ایران نمی‌توانیم پیدا کنیم. به هر حال می‌خواهم آزمایشی در این زمینه بکنیم. مشکل واقعی این است که کارشناسان آمریکایی درستی که به آرمانهای خود وفادار باشند، میان خود جدال نکنند و از نظر مالی بسیار درستکار باشند، بیاییم. اگر این سیاست را آغاز کنیم و در پنج یا ده سال نخست، که امیدوارم موفق باشد، می‌تواند سیاستی همیشگی شود. در ضمن، کل این تجربه می‌تواند برای مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه اندکی داشته باشد.

ممکن است نظر خود را به من اطلاع دهید. باید به هرلی پاسخ دهم. نظر او درست است که کل مدیریت وام - اجاره\* باید کنترل کامل توزیع و عرضه کالاهای برنامه وام - اجاره در خاورمیانه را به عهده گیرد.

امضا: فرانکلین روزولت

ژنرال پاتریک هرلی این نامه را از تهران برای پرزیدنت روزولت فرستاد (۱۲ دسامبر ۱۹۴۳):

عالیجناب فرانکلین د. روزولت

رییس جمهوری ایالات متحده آمریکا

کاخ سفید

واشنگتن د.سی

● روزولت در ۱۹۴۵ درگذشت و رییس جمهوری بعدی طرح هرلی را به فراموشی سپرد و به سوی همگامی با انگلیس در راه‌اندازی کودتای امرداد ۱۳۳۲ و ناکام ساختن جنبش ملی شدن صنعت نفت که هدفش کوتاه کردن دست بیگانگان از بزرگترین سرمایه مادی ایران یعنی نفت و به‌کارگیری درآمدهای نفتی برای توسعه ایران بود پیش رفت.

اعمال گردد تا اکثریت سازمان نیافته و ساده‌دل از چنگ انحصارات و فشار داخلی و خارجی مصون بمانند. پیاده شدن الگوی آمریکایی خودگردانی سیاسی و حکومتی و اقتصاد آزاد در ایران، تضمینی است بر اینکه دستاوردها از توسعه منابع ایران، بیش از همه به ساخت مدارس، بیمارستانها، سامانه‌های بهداشتی، ترابری، ارتباطی، آبیاری و بهبود همه امکاناتی شود که مایه سلامت، شادی و رفاه عمومی ایرانیان می‌شود. برنامه ملت‌سازی ممکن است از راه تجربه ما در ایران بهبود یابد و معیاری شود برای رابطه ایالات متحده با همه ملت‌هایی که امروزه از پلیدیهای اقلیتهای آزماند، انحصارات و تجاوز و امپریالیزم رنج می‌برند. آمریکاییان که خالصانه به آزادی و استقلال دل سپرده‌اند، امروز نه برای نجات امپریالیزم دیگر ملت‌ها و نه برای ایجاد امپریالیزم خود می‌جنگند؛ بلکه می‌خواهند اصول خیرخواهانه منشور آتلانتیک و «آزادیهای چهارگانه» را به جهان عرضه کنند.

### بخش دوم

آنچه در بالا آمد، برنامه‌ای ساده با هدف تشویق ساختن ملت‌های آزاد است. کاری که پیش روی ماست، ساده نیست. موفقیت کنفرانسهای اخیر در مسکو، قاهره و تهران نشان می‌دهد که قدرتهای بزرگ می‌توانند در اداره جنگ همکاری کنند. تأیید مجدد منشور آتلانتیک نشانه این است که برای همکاری در دوران پس از جنگ نیز شالوده‌ای وجود دارد. با وجود این نشانه‌های حسن‌نیت، فکر می‌کنم وقت آن رسیده است که بکوشیم به مخالفت‌هایی که چه بسا کار ساختن ملت‌های آزاد با آن روبه‌رو خواهد شد، بپردازیم. بدون هرگونه مخالفت دیگر کشورها و با همکاری و پشتیبانی رهبران روشنفکر و میهن‌پرست ایران، باز هم نسلا طول می‌کشد تا اقتصاد آزاد و حکومتی بر پایه رضایت شهروندان در ایران پا گیرد. جمعیت ایران کمابیش ۹۰ درصد بیسواد و تا اندازه زیادی متشکل از قبایل سازمان‌نیافته و جدا از هم است. باید آگاهی و حساسیتی که از آزادی توده‌ها پشتیبانی کند، ایجاد شود. آموزش افراد قبایل و ایجاد وحدت هدف، نیاز

حکومتی فراهم خواهد کرد. مزد همه کارشناسان و رایزنانی را که از سوی ایالات متحده در اختیار ایران گذاشته می‌شوند، دولت ایران پرداخت خواهد کرد و فعالیت آنان طبق قوانین ایران خواهد بود و در این زمینه مسئولیتی مالی به دوش مالیات‌دهندگان آمریکایی نخواهد بود. ایالات متحده در برابر دادن این خدمات، امتیاز خاصی دریافت و نیز درخواست نمی‌کند. به رایزنان آمریکایی درباره سیاست ایالات متحده در مورد ایران آموزشهای کامل داده خواهد شد و آنان پیوسته گزارشهای پیشرفت کار را به وزارت امور خارجه خواهند داد. این توجیه رایزنان و لزوم گزارش دادن آنان عاملی حیاتی برای هماهنگی است که در راستای پیشبرد سیاست ما و پشتیبانی از منافع ما جنبه اساسی دارد.

تاریخ مدرن ایران نشان می‌دهد که این کشور زیر یوغ اقلیتی نیرومند و آزماند بوده است. همچنین، مردمانش اسیر بهره‌کشی و انحصارگری بیگانگان بوده‌اند. در یاری رسانی ایالات متحده به ساخت یک جامعه پیشرفته در ایران، باید به اندازه کافی، نظارت و کنترل بر اقتصاد آزاد کنونی و تجاوزات شخصی

● هری ترومن معاون رییس‌جمهوری آمریکا (هوادر انگلیس) که در دوم آوریل ۱۹۴۵ پس از مرگ روزولت به ریاست جمهوری رسید، آچسن را به سمت وزیر امورخارجه ارتقاء داد. در ۱۹۵۱ که محمد مصدق نخست‌وزیر ایران شد و شرکت نفت انگلیس را ملی اعلام کرد، آچسن با سفیر انگلیس و گروهی متشکل از مأموران سیا و عوامل اطلاعاتی و امنیتی انگلیس برای تنظیم برنامه‌ای با هدف فرو انداختن مصدق از قدرت و بازگرداندن سلطه انگلیس بر نفت ایران، همکاری و هماهنگی کرد. کودتا در ۱۹۵۳ در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور انجام گرفت.

هرلی در ۱۹۴۵ و بار دیگر در ۱۹۵۱ درباره خیانت آچسن به نقشه روزولت برای همکاری و دوستی با ایران مستقل و حاکم بر امور خود، در سنای آمریکا شهادت داد.

● فرانکلین روزولت: ایران بی‌گمان کشوری بسیار بسیار عقب مانده است؛ دربرگیرنده قبیله‌هایی چند است و ۹۹ درصد جمعیت در واقع اسیر یک درصد هستند. ۹۹ درصد، مالک زمین خود نیستند و نمی‌توانند فراورده‌های خود را نگهدارند یا آنرا به پول یا اموال دیگر تبدیل کنند.... هیچ ملتی مصیبت زده‌تر از ایران نمی‌توانیم پیدا کنیم.

را برای دموکراسی امن سازد» و بریتانیا را بعنوان قدرت جهانی درجه اول نگهدارد. نگهداشت بریتانیا بعنوان قدرت جهانی درجه اول، سالها سنگ زیر بنای سیاست خارجی ایالات متحده بوده است. من خود از آن سیاست پشتیبانی کرده‌ام. همواره باور داشته‌ام و بارها آشکارا گفته‌ام که سرنوشت نهایی همه مردمان انگلیسی زبان یکی است.

ما در جنگ جهانی یکم، بریتانیا را در مقام یک قدرت درجه اول نگهداشتیم، ولی در امن ساختن جهان برای دموکراسی موفق نبودیم. در برابر، وقتی به «جامعه ملل» پشت کردیم و در تبدیل کردن شرایط صلح به ابزار دموکراسی کوتاهی کردیم، جهان را برای امپریالیسم امن ساختیم. در فاصله بیست و پنج سال، روند امپریالیسم شرقی و نیز امپریالیسم غربی، زمینه را برای این جنگ جهانی تازه فراهم کرد.

کوشش برای برقراری آزادی راستین در کشورهای کمتر بهره یافته که بسیاری از آنها زیر سایه امپریالیسم هستند، کمابیش ناگزیر در تضاد و در تقابل با سیاست نگهداشت بریتانیا بعنوان قدرت درجه اول جهانی قرار می‌گیرد. این نکته ما را به این نتیجه می‌رساند که بریتانیا امروز با همان وضعی روبه‌روست که کشور ما هنگامی که لینکلن در Gettysburg گفت «این ملت، در پناه خداوند، تولد تازه‌ای از آزادی خواهد داشت»، با آن روبه‌رو بود. بریتانیا می‌تواند در مقام یک قدرت درجه اول جهانی نگهداشته شود، ولی برای تضمین این پشتیبانی از سوی آمریکاییان، آن کشور باید اصول آزادی و دموکراسی را بپذیرد و اصول امپریالیسم سرکوبگر را کنار بگذارد.

روسیه شوروی برای خود مقام قدرت درجه اول

به زمان، شکیبایی، هشیاری، کارایی و روحیه مبارز راینزان ما دارد. بالاتر از همه، راینزان ما باید همواره از پشتیبانی شهروندان آمریکا برخوردار باشند که چه بسا به دشواری بتوان نسبت به آن اطمینان یافت.

گذشته از مشکلات موجود در ایران، اصول فرمول بالا با اصول امپریالیسم ناسازگار است. همچنین، اقتصاد آزاد می‌تواند با هرگونه گسترش کمونیزم با زور، در تضاد قرار گیرد. هواداران این دو آموزه ممکن است در برابر گسترش دموکراسی پیشنهاد شده بایستند.

در همه کشورهای که از آنها دیدن کرده‌ام، بیشتر از انگلیسیها و آمریکاییان شنیده‌ام که اصول امپریالیسم در برابر اصول دموکراسی از پا درآمده است. ولی بر پایه مشاهدات خودم، باید بگویم که اگر امپریالیسم مرده است به نظر می‌رسد که بسیار آکراه دارد که نقش بر زمین شود.

امیدواریم امپریالیسم آلمان، ژاپن، ایتالیا، فرانسه، بلژیک، پرتغال و هلند بر اثر این جنگ پایان یابد یا به‌گونه بنیادی در آنها بازنگری شود. چنین می‌نماید که امپریالیسم انگلیس جان تازه‌ای یافته است. ولی به هر روی این وضع ظاهری، غیرواقعی است. آنچه در ظاهر، جان تازه امپریالیسم انگلستان به چشم می‌آید، ناشی از تزریق خون تولیدکنندگی و آزادی یک ملت آزاد [آمریکا] از کانال برنامه وام - اجاره است. همچنین، امروز از امپریالیسم انگلستان با خون سربازان دموکرات‌ترین ملت در کره زمین، دفاع می‌شود.

نام کشورهای استعمارگر کافی است که نشان دهد هنوز بخش بزرگی از جمعیت جهان پا بسته اصول امپریالیسم هستند. این نامها همچنین مخالفتی را که با هر کوشش برای استقرار دموکراسی در کشورهای که در این هنگام زیر یوغ ملت‌های استعمارگر هستند، می‌شود، نشان می‌دهد. ما به نقطه انکارناشدنی تضاد میان امپریالیسم جهانی و دموکراسی سراسری جهانی رسیده‌ایم. اسفانگیز است که می‌بینیم چه تعداد از دوستان واقعی ما در جهان، همچنان سرسختانه به نظام کهنه امپریالیستی پایبندند.

سیاست ویدرو ویلسون برای آمریکا در جنگ جهانی یکم، بر این پایه طراحی شده بود که «جهان



مه ۱۹۴۳ یادآور شدم. من خود در هیچ یک از گفتگوها بر سر این پیمان با ایرانیان شرکت نکرده‌ام. فکر می‌کنم مهم است که دریابیم چون سربازان ما به دعوت بریتانیا و بی‌اعلام قبلی به دولت ایران وارد آن کشور شده‌اند، طبیعی است که ایرانیان به ما همچون ابزار دست بریتانیا نگاه کنند. فزون بر این، شرکت بازرگانی انگلستان (United Kingdom Commercial Co.) که در آغاز تنها به خرید کالا در ایران می‌پرداخت، دست به فروش کالاهای مربوط به وام - اجاره آمریکایی به مردمان عادی و به دولت ایران زده است. شرکت بازرگانی انگلستان بیشتر از راه عرضه کالاهای مربوط به وام - اجاره ما که پول آنرا مالیات‌دهندگان آمریکایی پرداخت کرده‌اند، در پی آن بوده است و تا اندازه زیادی هم توانسته است انحصار کامل بازرگانی در ایران برقرار کند. شرکت بازرگانی انگلستان این جایگاه را تنها به برکت حضور در صحنه، به هنگامی که کالاهای مربوط به وام - اجاره به ایران سرازیر شد، به دست آورد. نمایندگان آمریکا در ایران، شرکت بازرگانی انگلستان را که متعلق به دولت، ولی در پی سود است، بعنوان واسطه و کارگزار برای کالاهای آمریکایی به کار گرفتند. این وضع که آشکارا مورد موافقت مدیریت وام - اجاره و وزارت امورخارجه قرار داشته، برای شرکت بازرگانی انگلستان سودآور بوده است.

یک شرکت بازرگانی آمریکایی متعلق به دولت، با دفتری در تهران وجود داشته است. یک سال پیش که من در آنجا بودم، آقای فیلیپ کید (Philip Kidd) مسئول شرکت بود. سپس آقای اریک اریکسن (Erik Erikson) مدیر آن شد. اگر قرار بود با کالاهای مربوط به وام و اجاره وارد فعالیتهای بازرگانی شویم، نمی‌دانم چرا از شرکت خود به جای شرکت انگلیسی استفاده نکردیم. بار دیگر از گزارش خود به شما درباره ایران، از قاهره مورخ ۱۳ مه ۱۹۴۳ و نیز گزارشم درباره وام - اجاره در خاورمیانه از دهلی مورخ هفتم نوامبر ۱۹۴۳ یاد می‌کنم. وزیر شما آقای لن‌دیس (Landis) بهبود بزرگی در مدیریت وام - اجاره در خاورمیانه پدید آورده است. با وجود این، برآنم که بحث کنونی

جهانی به دست آورده است. دوستی و همکاری ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی برای صلح و هماهنگی در جهان پس از جنگ، اساسی است. بنابراین باید درک و پذیرش دوسویه نسبت به الگوهای آزادی که قدرتهای بزرگ در دوران پس از جنگ در چارچوب ملل متحد به کشورهای ضعیفتر همپیمان خود ارائه می‌کنند، وجود داشته باشد. بدون چنین توافقی، رشک‌ورزی، سوءظن و درگیری پیش خواهد آمد.

### بخش سوم

درباره وضع کنونی روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا باید به یاد داشت که هرچند سربازان ایالات متحده بیش از یک سال در ایران بوده‌اند، ولی حضور آنها هنوز به گونه رسمی از سوی دولت ایران شناخته نشده است. بسیاری از دولتمردان ایرانی بر این باورند که نیروهای آمریکایی به درخواست بریتانیا و با این هدف که ابزاری در دست بریتانیا باشند، به ایران آمده‌اند. یک سال یا بیشتر است که سرگرم گفتگو با دولت ایران بر سر پیمانی هستیم که برپایه آن، ایران حضور سربازان آمریکایی را بعنوان عملیاتی آمریکایی به رسمیت بشناسد. ارائه بیهوده این پیمان برای پرستیژ آمریکا نزد ایرانیان سودمند نبوده است.

مسئولیت وزارت امورخارجه است که این پیمان را به سرانجام برساند. ضرورت سرعت بخشیدن به گفتگوها درباره این پیمان را، در گزارشم به شما در ۱۳

● ژنرال هرلی: نام کشورهای استعمارگر کافی است که نشان دهد هنوز بخش بزرگی از جمعیت جهان پا بسته اصول امپریالیزم هستند. این نامها همچنین مخالفتی را که با هر کوشش برای استقرار دموکراسی در کشورهایی که در این هنگام زیر یوغ ملتهای استعمارگر هستند، می‌شود، نشان می‌دهد. ما به نقطه انکارناشدنی تضاد میان امپریالیزم جهانی و دموکراسی سراسری جهانی رسیده‌ایم. اسفانگیز است که می‌بینیم چه تعداد از دوستان واقعی ما در جهان، همچنان سرسختانه به نظام کهنه امپریالیستی پایبندند.

● ژنرال هرلی: در گفتگو با شاه و تنی چند از وزیران او به من اطلاع داده شد که افراد قبایل در استانهای دور دست ایران از یک یا چند منبع، دست کم پنجاه هزار تفنگ و مهمات به دست آورده‌اند. شاه فکر می‌کرد که این وضع به رایزنان ما در ارتش ایران و نیروی پلیس ایران حکم می‌کند که کار سازمان دادن نیروها برای تأمین امنیت در برابر بی‌نظمی داخلی را سرعت بخشند. او گفت پاره‌ای نیروهای بیگانه برآند که قبایل را به ایجاد بی‌نظمی داخلی وادارند.

بگوید. من متذکر شدم که در چارچوب برنامه وام - اجاره داریم به روسیه تجهیزات می‌دهیم، چون روسیه خودش به اندازه کافی اسلحه برای نیازهای جنگی خود ندارد. اعلیحضرت گفتند که این نکته را می‌دانند، ولی روسیه پیشنهاد کرده است که این تجهیزات بسیار مورد نیاز را به ایران بدهد. او گفت امیدوار بوده است که این تجهیزات را از ایالات متحده دریافت کند ولی نتوانسته به نتیجه رضایت‌بخشی برسد. به عقیده من، ایران توان آنرا دارد که بهای تجهیزات مورد نیاز ارتش و نیروی پلیس خود را پردازد.

این یک حقیقت است که بریتانیا درحالی که سرپا ماندنش در جنگ را مدیون برنامه وام - اجاره ماست، کالاهای مربوط به وام - اجاره را در اختیار دیگر کشورها می‌گذارد. حال به نظر می‌رسد که روسیه نیز دست‌اندرکار برنامه مشابهی است. بریتانیا از مدت‌ها پیش این کار را می‌کرده و حالا روسیه نیز شروع به دادن کالاهای مربوط به وام - اجاره یا کالاهای جایگزین یا آزاد شده در اثر عرضه کالاهای مربوط به وام اجاره به دیگر کشورها در برابر گرفتن امتیازات یا برای تقویت ایدئولوژی خود در کشورهایی کرده است که ملزومات به آنها داده می‌شود. کمترین چیزی که باید بخواهیم، این است که اجازه داشته باشیم که دادن کالاها را خودمان انجام دهیم.

#### بخش پنجم

مقامات ایرانی این خواست را ابراز داشته‌اند که روابط بازرگانی نزدیکتری با ایالات متحده داشته

میان ایالات متحده و بریتانیا درباره وام - اجاره تنها زمانی پایان خواهد یافت که آمریکا کنترل کامل پخش کالاهای مربوط به وام - اجاره ما در منطقه را به دست گیرد.

ایرانیان بر این باورند که برنامه‌های انحصارگرایانه شرکت بازرگانی بریتانیا پس از جنگ، از پشتیبانی ایالات متحده برخوردار است.

گذشته از همه اینها، درگیریهایی میان وزارتخانه‌های آمریکا و بریتانیا وجود داشته که برای ایرانیان آشکار بوده است. این وضع به پرستیژ ایالات متحده و انگلستان آسیب زده است. در برابر این برداشت، ایرانیان شاهد کارایی عملیات آمریکا در زمینه راه‌آهن و حمل و نقل جاده‌ای برای رساندن ملزومات جنگی به روسیه بوده‌اند. سرانجام اینکه ایرانیان سخت تحت تأثیر مدیریت استادانه شما در کنفرانس سران سه قدرت بویژه مهارت شما در بیرون آوردن اعلامیه حاوی سیاست ملل متحد درباره ایران از دل کنفرانس هستند.

در همان حال پرستیژ اتحاد جماهیر شوروی نیز در سایه رفتار سنجیده آنها و روابط صریح و مثبتشان با ایرانیان بهبود یافته است.

#### بخش چهارم

چند روز پیش، در گفتگو با اعلیحضرت شاه و تنی چند از وزیران او به من اطلاع داده شد که افراد قبایل در استانهای دور دست ایران از یک یا چند منبع، دست کم پنجاه هزار تفنگ و مهمات به دست آورده‌اند. شاه فکر می‌کرد که این وضع به رایزنان ما در ارتش ایران و نیروی پلیس ایران حکم می‌کند که کار سازمان دادن نیروها برای تأمین امنیت در برابر بی‌نظمی داخلی را سرعت بخشند. او گفت پاره‌ای نیروهای بیگانه برآند که قبایل را به ایجاد بی‌نظمی داخلی وادارند. در این زمینه به آگاهی اعلیحضرت رساندم که شنیده‌ام روسیه موافقت کرده است که شماری تانک و تفنگ و هواپیما به ارتش ایران بدهد. شاه پذیرفت که چنین پیشنهادی بوده است، ولی در این باره که روسیه چه مقدار تجهیزات به ایران خواهد داد، نتوانست چیزی

دهد، همه برنامه‌های ما برای آینده جهان بیهوده خواهد بود. استبداد و بیدادگری و امپریالیزم سرکوبگر دوباره حاکم خواهد شد.

فکر می‌کنم اکنون جنبه‌های عامتر دیپلماسی جهانی شما، عالی است. ولی چنانچه در هماهنگ کردن جزئیات با برنامه کلی شما واقع‌بین نباشیم، می‌توانیم به این وضع آسیب زنیم.

با احترام کامل

پاتریک جی. هرلی

سرلشکر، ایالات متحده آمریکا

نامه فرانکلین روزولت به چرچیل

خصوصی

۲۹ فوریه ۱۹۴۴

وینستون عزیز:

یادداشت پیوست را سرلشکر پاتریک هرلی (وزیر جنگ پیشین) که او را در تهران دیدید برای من فرستاده است.

این تنها برای رؤیت شماست. من رویکرد کلی او در زمینه غمخواری و آموزش آنچه را که باید «کشورهای عقب‌مانده» خوانند، کمابیش می‌پسندم. برپایه دیدگاه شخصی شما و من، فکر می‌کنم ما می‌توانیم چیزی دربارهٔ پاکی نیز به آن بیفزاییم.

نکته همه اینها این است که من نمی‌خواهم ایالات متحده «منطقه نفوذ»ی برای خود یا هر ملت دیگری در این زمینه به‌دست آورد. ایران بی‌گمان نیازمند متولیان امین است. سی تا چهل سال به درازا می‌کشد تا این نظام فاسد فئودالی از میان برداشته شود. تا آن وقت برسد، ایران می‌تواند دردسری برای شما، روسیه و خود ما باشد.

به یاد دارید که به استالین پیشنهاد کردم می‌توان یک بندر آزاد در دهانه خلیج فارس برپا کرد، مدیریت راه‌آهن را بین‌المللی کرد تا راه مستقیمی برای روسیه و مناطق در حال توسعه ایران ایجاد شود. ممکن است این نسخه را به من برگردانید، چون نسخه دیگری ندارم؟

با درودهای گرم

ارادتمند همیشگی

فرانکلین دی. روزولت

باشند. در اوضاع و احوالی کنونی، شکی نیست که بازرگانان آمریکایی اشتیاق بسیار برای به‌دست آوردن نفت، مواد کانی و دیگر امتیازات در ایران دارند. پیشنهاد می‌کنم که وزارت امورخارجه با کمک دیگر کارگزاربهای دولتمان، آماده مشورت دادن به دولت ایران درباره ویژگیها و شایستگیهای تک‌تک متقاضیان امتیاز باشد.

در پیشنهاد به اینکه شما خود را متعهد به یک برنامه جهانی در زمینه ساختن ملت‌های آزاد و وابسته به یکدیگر کنید، از مشکلاتی که در جبهه داخلی پیش‌رو دارید، غافل نیستم.

البته ما باید تأثیر مالیاتهای سنگین کنونی و آتی و هزینه شدن بخش بزرگی از ذخایر اقتصادی خود را در نظر داشته باشیم. ولی به هر روی، بزرگترین خطر در ایجاد وامها و قروض وثیقه‌دار است. اگر جنگ و تعهدات ما در زمینه بازسازی و تجدید ساختار برای زمانی دراز ادامه یابد، این بدهیها ممکن است چنان کمرشکن شود که نومیدی و سستی و افسردگی در آزادترین و پر مایه‌ترین مردمان پدید آورد. ممکن است بار دیگر سربازان را مرخص کنیم و به بیکاری بکشانیم. شاید به جایی برسیم که شهروندان فریاد بزنند «نمی‌توانیم قانون اساسی را بخوریم». آنان همچنین ممکن است به نخوردنیها «منشور آتلانتیک و چهار آزادی» را بیفزایند. این، می‌تواند به هراس، ورشکستگی و انقلاب بینجامد. نیازی به افزودن این نکته نیست که اگر چنین وضعی در داخل کشور رخ

● چرچیل: به ظاهر، ژنرال هرلی درباره امپریالیزم انگلیس چنان اندیشه‌هایی دارد که اعتراف می‌کنم سبب شد چشم‌هایم را بمالم. برای نمونه او بر آن است که تضادی از میان نرفتنی بین امپریالیزم و دموکراسی وجود دارد. اما من با شهادت می‌گویم که امپریالیزم انگلیس سبب گسترش دموکراسی شده است و هنوز هم دموکراسی را بسی بیش از هر نظام حکومتی دیگر، از آغاز زمان گسترش می‌دهد!

همان منافع ایالات متحده در زمان جنگ را داریم که آن امنیت راه رساندن ملزومات به روسیه از خاک ایران است. به همه این دلایل، ما خواستار یک دولت نیرومند و دوست در ایرانیم و خواهان استقرار «مناطق نفوذ خارجی» نیستیم.

دوستدار  
وینستون اس چرچیل

#### یادداشت‌ها

\* این دستورالعمل را کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در ۱۴/۷/۱۹۴۵ (۲۴ تیر ۱۳۲۴) برای کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی در باکو فرستاده است. فرقه دموکرات آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تشکیل شد. پیش از آن در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ سید جعفر پیشه‌وری و ۴۷ تن دیگر از عمال شوروی با اجرای دستورهای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی به شرح فوق، زمینه را برای برگزاری یک همه‌پرسی «مراجعه‌نامه» یا فراخوان عمومی و صدور اعلامیه تشکیل، فراهم کرده بودند. (خاطرات ایرج اسکندری، پیوست ۵ درباره «فرقه دموکرات آذربایجان»، صص ۵۷۸-۵۵۹). فرقه پس از خروج ارتش شوروی از ایران و ورود ارتش ایران به آذربایجان در پی اولتیماتوم ترومن به استالین، در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ از هم پاشید و گردانندگان آن شامل پیشه‌وری و باصطلاح وزیرانش و کمابیش ده هزار تن فرقه‌ای به آنسوی مرز گریختند. دو سال پس از آن، پیشه‌وری در نزدیکی باکو در یک «تصادف اتومبیل»؟! کشته شد.

\*\* قانون برنامه وام - اجاره (Lend - Lease) ۱۰ ژانویه

۱۹۴۱

\*\*\*

و چرچیل نزدیک به سه ماه پس از آن پاسخ داد:

شماره ۱۰ دانیگ استریت

تالار سفید

۲۱ مه ۱۹۴۴

رییس‌جمهوری عزیز من

سپاس فراوان از اینکه اجازه دادید یادداشت

ژنرال هرلی درباره ایران را ببینم، که آنرا همچنان که خواسته‌اید پس می‌فرستم.

متأسفم که در پاسخ دادن به آن تأخیر کرده‌ام، ولی می‌بایست با چند دستگاه دولتی درباره نکته‌هایی که در آن مطرح شده بود، رایزنی شود. به ظاهر، ژنرال درباره امپریالیزم انگلیس چنان اندیشه‌هایی دارد که اعتراف می‌کنم سبب شد چشمهایم را بمالم. برای نمونه او بر آن است که تضادی از میان نرفتنی بین امپریالیزم و دموکراسی وجود دارد. اما من با شهادت می‌گویم که امپریالیزم انگلیس سبب گسترش دموکراسی شده است و هنوز هم دموکراسی را بسی بیش از هر نظام حکومتی دیگر، از آغاز زمان گسترش می‌دهد.

در مورد ایران، به هر روی فکر نمی‌کنم که «امپریالیزم انگلیس» جایی در این بحث داشته باشد. واقعیت این است که ما، مانند ایالات متحده، ناگزیر درباره تأمین استراتژیک نفت خود نگرانی داریم و بیشتر از این رو که برخلاف ایالات متحده، منابعی در کشور خود نداریم. از همین نظر امنیتی، مسئولیتهایی داریم که درحال حاضر نمی‌توانیم مرز باختری هند و مرز خاوری عراق را رها کنیم. گذشته از این، ما